گزارش

تصادفات جرحی و معمای توقیف خودرو؛ آیا زمان اصلاح نرسیده است؟

همیشه در تصادفات جرحی، توجه به سمت فرد آسیب‌دیده است، اما گاهی این مسیر فرسایشی، فرد مقصر را بیشتر از خود حادثه گرفتار می‌کند. توقیف خودرو، مراجعات بی‌پایان به نهادهای مختلف، هزینه‌های سنگین و یک روند پیچیده که هیچ توجیه مشخصی ندارد، همه اینها چالش‌هایی هستند که افراد وقتی درگیر این وضعیت می‌شوند، باید با آن دست‌وپنجه نرم کنند.

طبق آمار رسمی، سالانه بیش از ۴۰۰ هزار پرونده تصادف جرحی در قوه قضائیه به ثبت می‌رسد. با احتساب حداقل دو خودرو در هر حادثه، می‌توان گفت حدود ۸۰۰ هزار وسیله نقلیه هرساله توقیف می‌شوند؛ وسیله‌هایی که در اغلب موارد متعلق به یک خانواده‌اند. این یعنی روند توقیف خودرو، مستقیم بر زندگی حدود دو تا سه میلیون نفر در کشور اثر می‌گذارد. در چنین بستری، مواجهه با تبعات یک تصادف می‌تواند فقط آغاز راه باشد؛ این همان اتفاقی است که برای یک شهروند، پس از آنکه در تصادف جرحی مقصر شناخته شد رقم خورد.

بهای یک تصادف ساده چقدر است؟

ساکن پرند است و اسفند سال گذشته، هنگام تغییر لاین در اتوبان نواب، با موتورسیکلتی تصادف می‌کند. پلیس راهور او را مقصر می‌داند، اما با آنکه هیچ اعتراضی نسبت به مقصر شناخته‌شدن ندارد و راضی به جبران خسارت است، خودرو توقیف می‌شود. به کلانتری جوادیه مراجعه می‌کند، گزارش کامل نوشته و در نهایت وسیله نقلیه به پارکینگ منتقل می‌شود.

از این لحظه، فرایند اداری پرهزینه و زمان‌بر آغاز می‌شود. برای تمام مراجعات مجبور به استفاده از اسنپ است، که در نهایت چهار میلیون‌و ۶۰۰ هزار تومان هزینه برای او ایجاد می‌کند. اما این تنها مشکل نیست؛ سیستم اداری ناکارآمد او را در مسیری از مراجعات بی‌پایان گرفتار خواهد کرد.

مراجعات پی‌درپی؛ پاس‌کاری میان نهادها

فردای آن روز از پرند تا کلانتری جوادیه مسیر را طی می‌کند، اما تازه آنجا متوجه می‌شود که برای دریافت اصالت‌نامه بیمه باید مستقیما به شرکت بیمه‌گر مراجعه می‌کرده است. این در حالی است که مدرک بیمه‌نامه معتبر و قابل استعلام همراه خودش داشته است. با این حال او را وادار می‌کنند که برای دریافت یک گواهی با مهر زنده شخصا به شعبه بیمه شهر ری برود. وقتی در بیمه مدارک را ارائه می‌دهد، بیمه درخواست مدارک مصدوم را می‌کند. او این دسترسی را ندارد، پس مجبور می‌شود دوباره به کلانتری برگشته و پس از اصرار فراوان، مدارک مصدوم را دریافت کند تا دوباره به بیمه بازگردد.

پس از مراجعه مجدد به بیمه، به او اعلام می‌شود یکی از مدارک لازم برای تشکیل پرونده کروکی است. در حالی که هیچ‌کس در مراحل اولیه چنین اشاره‌ای نکرده بود، به تعبیر کارمندان بیمه، همراه‌داشتن کروکی یک امر بدیهی است. به انتهای وقت اداری رسیده، پس به خانه برمی‌گردد.

فردا از پرند به کلانتری نازی‌آباد می‌رود، اما به او گفته می‌شود کروکی در سیستم ثبت نشده و باید به ترمینال جنوب مراجعه کند؛ زیرا مأموری که در صحنه تصادف کروکی کشیده است، آن روز در همان حوالی شیفت دارد. پس از ساعت‌ها معطلی، پیگیری و مراجعه‌های متعدد، کروکی را دریافت می‌کند، اما مشکل همچنان ادامه دارد. بیمه سه نامه برای او صادر می‌کند: یکی برای کلانتری، یکی برای بیمارستان و دیگری برای شورای حل اختلاف. حالا باید به تک‌تک این نهادها مراجعه کند تا مدارک را جمع‌آوری کرده و به بیمه تحویل دهد. در حالی که این اطلاعات می‌توانست به صورت سیستمی بین خودشان منتقل شود.

شورای حل اختلاف؛ یک مسیر پر پیچ‌وخم

مراجعه به این نهاد نیز ساده نیست. ابتدا بررسی‌ها به تأخیر می‌افتد زیرا کارمند دادگاه پرونده را به بعد از تعطیلات عید حواله می‌دهد. اما او با پیگیری‌های متعدد موفق می‌شود از رئیس دادسرا دستور مساعدت بگیرد. پس از رجوع به شعبه، قاضی پرونده‌اش را به شعبه‌ای دیگر ارجاع می‌دهد، اما تا به آنجا می‌رسد، وقت اداری به پایان رسیده و قاضی رفته است، پس باید فردا دوباره مراجعه کند.

در نهایت، پس از ۲۱ بار مراجعه به کلانتری، دادگاه، بیمه، پلیس راهور و پارکینگ با پرداخت جریمه در پلیس+۱۰ و هزینه جرثقیل، خودرو آزاد می‌شود. اما این مسیر چنان فرسایشی و هزینه‌بر بوده که هیچ توجیهی برای آن وجود ندارد.

به تعبیر خودش: «اگر از همان ابتدا تمام هزینه‌های خسارت خودرو، موتور و بیمارستان را پرداخت می‌کردم، راحت‌تر بودم. روند اداری آن‌قدر پیچیده، طولانی و فرسایشی بود که بارها در مسیر فکر کردم با ماشینم مرتکب قتل شده‌ام، چون مسیر رسیدگی هیچ تناسبی با حادثه‌ای که رخ داده بود نداشت. یک تصادف ساده تبدیل شد به یک بحران اداری تمام‌عیار که وقت، انرژی و هزینه غیرضروری از من گرفت».

تصادفات جرحی و قانون تازه؛ آیا روند توقیف خودرو تغییر می‌کند؟

این تجربه فقط یکی از نمونه‌های مشکلات ناشی از نبود شفافیت در روند توقیف خودروهای تصادفات جرحی است. اکنون که آیین‌نامه بند «د» ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت به تصویب رسیده و بر اساس ماده ۱۷ مصوبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه هیئت وزیران، تدوین دستورالعمل ساماندهی توقیف خودرو به معاونت حقوقی رئیس‌جمهور واگذار شده است، انتظار می‌رود این مسئله نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد.

بر اساس این قانون، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) مکلف شده است که با بررسی صحنه تصادف، کروکی الکترونیک را ترسیم کند و گزارش تصادف را به طرفین و بیمه‌گر یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ابلاغ کند. این تغییر می‌تواند فرایند رسیدگی را تسریع و از مراجعات غیرضروری جلوگیری کند. انتظار می‌رود با توجه به مسئله نابسامان توقیف خودرو بتوان با تدوین دستورالعملی جلوی این آشفتگی را گرفت.

لازم است مراحلی که فرد درگیر طی می‌کند، به صورت سیستمی پیش برود و بدون مراجعه‌های غیرضروری انجام پذیرد، تا دیگر کسی مجبور نباشد مانند این فرد ده‌ها بار بین پرند و تهران رفت‌وآمد داشته باشد تا بتواند خودرویش را آزاد کند.

این اصلاحات می‌تواند گامی مهم در کاهش بوروکراسی زائد و تسهیل روند رسیدگی به تصادفات جرحی باشد، اما اجرای دقیق آن نیازمند نظارت و پیگیری مستمر فراجاست.

آیا آیین‌نامه اجرائی کمیته «تسهیل فعالیت کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال» اینترنت را طبقه‌بندی می‌کند؟

سهمیه‌بندی اتصال

سونیتا سراب‌پور: طرح طبقه‌بندی دسترسی به اینترنت که در سال‌های اخیر با عنوان «اینترنت طبقاتی»، «اینترنت ویژه»، «اینترنت باز»، «اینترنت فناوران» و... شناخته شده، حالا در ۱۴۰۴ و بعد از پشت سر گذاشتن روزهای تلخ «جنگ» وارد فاز تازه‌ای شده است. گروهی از فعال‌شدن «اینترنت سفید یا آزاد» برای برخی کسب‌وکارهایی که در شرایط جنگ به دنبال قطع اینترنت آسیب دیده‌اند، خبر می‌دهند و گروهی دیگر می‌گویند مسعود پزشکیان که در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری وعده دسترسی آزاد به اینترنت را داده بود، حالا طرح «اینترنت طبقاتی» را کلید زده است. در گام بعدی با خبر تصویب آیین‌نامه اجرائی کمیته «تسهیل فعالیت کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال»آتش انتقادها نسبت به اینترنت طبقاتی تندتر شده است. هرچند معاون وزیر ارتباطات در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند که این آیین‌نامه، ارتباطی با اینترنت طبقاتی یا دسترسی گروهی ویژه به اینترنت ندارد و «هدفش توجه به مشکلات واقعی و انباشته‌ای است که فعالان بخش خصوصی طی سال‌های گذشته با آنها مواجه بوده‌اند؛ از جمله قطعی ناگهانی سرویس‌های پرداخت‌یار، مداخلات چندگانه تنظیم‌گران بخشی و محدودسازی‌های بدون ضابطه و فرایند». در سه روز گذشته از رئیس‌جمهوری تا سخنگوی دولت و وزیر ارتباطات در توییت‌های جداگانه اجرای اینترنت طبقاتی را تکذیب کرده و گفته‌اند: «حق دسترسی به اطلاعات آزاد حق همه مردم است، نه یک طبقه خاص» در گزارش پیش‌رو آیین‌نامه اجرائی کمیته «تسهیل فعالیت کسب‌وکارهای اقتصاد رقومی (دیجیتال)» را بررسی خواهیم کرد که مرکز ملی فضای مجازی جلوی انتشار رسمی آن را گرفته و از طرف دیگر در گفت‌وگو با احسان چیت‌ساز، معاون سیاست‌گذاری و اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات به این سؤال‌ها پاسخ می‌دهیم که با این آیین‌نامه آیا قرار است در صورت تکرار مجدد قطع اینترنت، با ارائه اینترنت آزاد به کسب‌وکارها جلوی صدای اعتراض بخشی از جامعه گرفته شود.

آیین‌نامه‌ای که منتشر نشده است

سه‌شنبه عصر (۲۴ تیر) جلسه شورای عالی فضای مجازی بعد از دو ماه تأخیر با حضور سران قوا برگزار شد. بسیاری از جمله رسانه‌ها و فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال انتظار داشتند در این جلسه رئیس‌جمهور به عنوان رئیس این شورا دستور به رفع محدودیت‌های اینترنت بدهد که در دوران جنگ ایجاد شده بود و با وجود آتش‌بس همچنان ادامه داشت. همچنین از طرف دیگر او تکلیف برداشتن گام دوم فیلترینگ را هم مشخص کند. با این حال در اتفاقی غیرمنتظره یک روز بعد از این نشست، وب‌سایت مرکز ملی فضای مجازی خبر داد که در این جلسه، آیین‌نامه اجرائی کمیته «تسهیل فعالیت کسب‌وکارهای اقتصاد رقومی (دیجیتال)» با اتفاق آرای اعضای شورای عالی فضای مجازی به تصویب رسیده است. تصویب این آیین‌نامه در کنار صحبت‌های روز سه‌شنبه امیر سیاح، سرپرست معاونت اقتصادی و تنظیم مقررات مرکز ملی فضای مجازی در رویداد «اینترنت و آینده ایران» که گفته بود برای حل مشکلات برخی کسب‌وکارها IP آنها در زمان جنگ باز شده است، این شائبه را ایجاد کرد که این آیین‌نامه اجرای اینترنت طبقاتی را تصویب کرده است. اوضاع وقتی وخیم شد که تنها یک صفحه از این آیین‌نامه منتشر شد که بسیاری از فعالان و کارشناسان حوزه اقتصاد دیجیتال آن را به معنی شروع ارائه اینترنت طبقاتی به کسب‌وکارها تعبیر کردند. در بخشی از توضیحات این آیین‌نامه آمده است: «این آیین‌نامه و کمیته آن، پیرو گزارش مطرح‌شده در جلسه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ درخصوص مشکلات کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال تدوین شده است». براساس اطلاعات منتشرشده از این یک صفحه: «در صورتی که تشکل‌های رسمی اقتصاد دیجیتال نسبت به هر یک از اقدام‌ها و تصمیم‌هایی که موجب اخلال جدی در فعالیت آنهاست، اعتراضی به دبیرخانه شورا ارجاع دهند، کمیته‌ای در این زمینه باید ظرف ۴۸ ساعت تشکیل شود و پس از بررسی موضوع دستور به توقف اقدام‌ها و تصمیم‌های مزبور تا بررسی دقیق‌تر را صادر کند». در سه روز گذشته «شرق» در تماس با افراد مختلف در مرکز ملی فضای مجازی تلاش کرد به جزئیات دقیق آیین‌نامه و کمیته تسهیل فعالیت کسب‌وکارهای دیجیتال دست پیدا کند و برای شفاف‌سازی آن را منتشر کند، اما در نهایت نسخه‌ای از این آیین‌نامه به دست «شرق» رسید که قابل انتشار نیست. این اولین‌باری نیست که مرکز ملی فضای مجازی مصوبات شورای عالی فضای مجازی را با تکیه بر محرمانگی آن منتشر نمی‌کند. در آخرین اقدام نیز دبیر شورای عالی فضای مجازی در پاسخ به اینکه چرا مصوبه رفع گام‌به‌گام فیلترینگ که در دی ۱۴۰۳ تصویب شده بود، منتشر نمی‌شود، گفته بود که برخی دستگاه‌ها مایل به انتشار این مصوبه نیستند.

آیین‌نامه مقدمه‌ای برای طبقاتی‌کردن اینترنت است؟

با وجود این برخی رسانه‌ها بخش‌هایی از این مصوبه را منتشر کرده‌اند، نگاهی به این جزییات نشان می‌دهد گرچه در این آیین‌نامه صحبتی از اینترنت طبقاتی یا دسترسی ویژه به کسب‌وکاری نشده ، اما هنوز هم بندهای آن با ابهاماتی روبه‌رو است. برای مثال مشخص نیست منظور از مشکلات و تصمیم‌هایی که به کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال لطمه می‌زنند چیست؟ آیا اگر بازهم دولت تصمیم به قطع اینترنت بگیرد، کسب‌وکارها می‌توانند به خاطر تکرار خسارت و زیان به این کمیته شکایت و در نهایت به آنها اینترنت تعلق گیرد و آیا این اتفاق همان اینترنت طبقاتی نیست.

احسان چیت‌ساز، معاون سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی توسعه فاوا و اقتصاد دیجیتال در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند در متن مصوبه این آیین‌نامه هیچ اشاره‌ای به مفاهیمی همچون اینترنت طبقاتی، تفکیک سطح دسترسی کاربران یا محدودسازی عامدانه خدمات دیجیتال وجود ندارد. به گفته او، هدف این مصوبه پاسخ به مشکلات واقعی و انباشته‌ای است که فعالان بخش خصوصی طی سال‌های گذشته با آنها مواجه بوده‌اند؛ از جمله قطعی ناگهانی سرویس‌های پرداخت‌یار، مداخلات چندگانه تنظیم‌گران بخشی و محدودسازی‌های بدون ضابطه و فرایند.

با این حال در این مصوبه تأکید شده که اگر مشکلی برای کسب‌وکارها به دنبال تصمیمات نهادهای دیگر به وجود آید ظرف ۴۸ ساعت کمیته تا بررسی دقیق‌تر باید دستور به توقف اجرای این تصمیم بدهد. در این چند خط دو نکته سؤال‌برانگیز است، از جمله اینکه چرا باید کسب‌وکار منتظر باشد تا کمیته ۴۸ ساعت بررسی و در نهایت دستور به توقف تصمیم بگیرد؟ اگر در همین ۴۸ ساعت اینترنت قطع باقی بماند، تکلیف کسب‌وکارها چیست؟

احسان چیت‌ساز، در مورد در نظر گرفتن زمان ۴۸ساعته به «شرق» می‌گوید: «در نگاه اول ممکن است این ۴۸ ساعت طولانی به نظر برسد، اما اگر در چارچوب حقوقی کشور نگاه کنیم، همین مهلت مشخص یک تحول بزرگ در شفافیت و مسئولیت‌پذیری نهادهای تصمیم‌گیر است. پیش از این، حتی بازه زمانی برای بررسی اعتراض‌ها هم تعریف نشده بود. درگاه پرداخت پلتفرم‌های رمزارزی بیشتر از پنج ماه است که بسته است». او تأکید می‌کند این بازه می‌تواند با اصلاحات بعدی کوتاه‌تر شود، اما به باور او مهم‌تر این است که آیین‌نامه تأکید می‌کند تصمیماتی که آسیب‌زننده به اقتصاد دیجیتال هستند، نباید بدون بررسی باقی بمانند: «تشکیل کمیته تخصصی برای توقف این تصمیم‌ها، اقدامی بی‌سابقه در نظام حکمرانی دیجیتال کشور است». یکی دیگر از ابهامات این آیین‌نامه دستورات در مورد توقف تصمیماتی است که به کسب‌وکار صدمه می‌زند. برای نمونه تصور کنیم به هر دلیلی نهادی تصمیم به قطع اینترنت بگیرد، در این شرایط این تصمیم خسارت جدیدی به کسب‌وکار وارد خواهد کرد. با توجه به این مصوبه جدید آیا کمیته دستور به توقف قطع اینترنت می‌دهد یا تصمیم می‌گیرد تا حل بحران به کسب‌وکار اینترنت بدون محدودیت بدهد، چیت‌ساز در پاسخ به این سؤال توضیح می‌دهد: «اینجا باید به تفاوت بین «مداخله اضطراری» و «حکمرانی پایدار» توجه کرد. در زمان بحران، ممکن است اختیارات برای امنیت مردم موقتا اولویت یابد، اما وجود این کمیته کمک می‌کند پس از تصمیم اولیه، فرایند بررسی آسیب‌ها و بازگرداندن خدمات شفاف و مستند انجام شود». او ادامه می‌دهد: «در واقع، این کمیته نقطه اتصال اقتصاد دیجیتال با ساختار حاکمیتی کشور است. البته اگر در عمل فقط برخی کسب‌وکارها اینترنت دریافت کنند و مردم یا کسب‌وکارهای کوچک نادیده گرفته شوند، این یک آسیب بزرگ است که باید اصلاح شود. اما مسیر اصلاح، از دل همین سازوکار نهادی می‌گذرد». از سوی دیگر در این آیین‌نامه به خسارت و زیان‌های مادی و روانی که کاربران پلتفرم‌ها به دنبال تصمیمات یک‌شبه برخی نهادها می‌بینند، هیچ توجهی نشده است؛ کاربر پلتفرم طلایی که درگاهش به خاطر ۱۲ روز جنگ مسدود شده، کاربر رمزارزی که به خاطر سیاست‌های بانک مرکزی، نمی‌تواند از پلتفرم صرافی رمزارز خود استفاده کند، کاربر پلتفرم سلامت دیجیتالی که به خاطر محدودیت‌های وزارت بهداشت نمی‌تواند از خدمات این سرویس‌ها به‌درستی استفاده کند.

چیت‌ساز درباره این بی‌توجهی می‌گوید: «دقیقا همین‌جاست که تفاوت بین «گام اول» و «سیاست جامع» مشخص می‌شود. تمرکز این آیین‌نامه بر کسب‌وکارهاست چون آنها پیشران اشتغال، تولید و ارزش‌افزایی هستند. حمایت از آنها، به طور غیرمستقیم کیفیت زندگی دیجیتال کاربران را هم ارتقا می‌دهد. با این حال، کاملا درست می‌فرمایید. برای رسیدن به عدالت دیجیتال، باید در گام‌های بعدی سازوکارهای جبران خسارت کاربران، شفاف‌سازی اختلالات و مسئولیت‌پذیری اپراتورها در برابر مردم نیز تدوین شود». او تأکید می‌کند که امروز، این آیین‌نامه دروازه‌ای برای طرح مطالبات حقوق دیجیتال شهروندان در قالب‌های قانونی و نهادی است و به یک منشور حقوق کاربران در کنار این مصوبه نیاز است و مسیر آن از همین نهادسازی آغاز می‌شود.

این یک اتفاق جدید نیست

ارتباط‌دادن این آیین‌نامه به اجرای اینترنت طبقاتی، به صحبت‌های امیر سیاح، سرپرست معاونت اقتصادی و تنظیم مقررات مرکز ملی فضای مجازی در رویداد «اینترنت و آینده ایران» بازمی‌گردد که گفته بود برای حل مشکلات برخی کسب‌وکارها IP آنها در زمان جنگ باز شده است. واقعیت این است که اگر چه دولت در چند روز گذشته به‌شدت ارائه اینترنت طبقاتی را تکذیب کرده، اما ارائه اینترنت طبقاتی یک داستان قدیمی و از زمان قطع سراسری اینترنت در سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد. در این دوران گروهی از خبرنگاران که پیگیری «شرق» نشان می‌دهد در آن زمان نزدیک به شش هزار نفر بودند، به اینترنت بدون محدودیت با ارسال درخواست به وزارت ارشاد دولت دوازدهم دسترسی پیدا کردند. در گام بعدی هم بعد از قطعی و اختلال شدید اینترنت در انتهای تابستان سال ۱۴۰۱ گروه دیگری از کسب‌وکارها در صف دریافت اینترنت بدون محدودیت قرار گرفتند و در نهایت در قطعی اینترنت به دنبال جنگ تحمیلی اسرائیل به ایران، IP بخش دیگری از کسب‌وکارها برای کاهش خسارت از قطعی اینترنت باز شد. در همین سه روز گذشته هم بسیاری از کاربران با انتشار بخشی از صحبت‌های محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم که به دلیل استفاده از فیلترشکن‌ها به مجلس فراخوانده شده بود، دست به دست می‌شد؛ با این تیتر که «اینترنت را جهرمی با تبدیل اینترنت به داخلی و خارجی طبقاتی کرد». همان زمان وزارت ارتباطات اعلام کرد به اینترنت طبقاتی باور ندارد و همه باید به گردش آزاد اطلاعات دسترسی داشته باشند. در آن زمان تقسیم اینترنت به داخلی و خارجی راهی برای شکست انحصار صداوسیما در حوزه صوت و تصویر اعلام شد و در پایان دولت دوازدهم هم رشد استفاده از سرویس‌های VOD به عنوان مدرکی برای رسیدن به این هدف تعبیر شد.

بسیاری از کارشناسان همان زمان که جهرمی در مجلس از بایدهای تفاوت دسترسی‌داشتن یک کودک به اینترنت با استاد دانشگاه، دانشجو و... صحبت می‌کرد، اعلام می‌کردند که این راهی برای دورزدن محدودیت‌هایی است که مخالفان دسترسی آزاد به اینترنت ایجاد کرده‌اند و دولت روحانی در تلاش است اینترنت را مرحله به مرحله آزاد کند تا در نهایت همه مردم ایران به اینترنت بدون محدودیت دسترسی داشته باشند. حالا هم برخی کارشناسان معتقدند دولت چهاردهم نیز به دنبال همان سیاستی است که با روی کار آمدن دولت سیزدهم متوقف شد. آنها می‌گویند وزارت ارتباطات مکانیسمی برای دسترسی مرحله به مرحله کاربران در مناطق مختلف به اینترنت بدون محدودیت در نظر گرفته و هدفش این است که این دسترسی مرحله به مرحله به‌سرعت اتفاق بیفتد. هنوز برای این اما و اگرها و گمانه‌زنی‌ها پاسخ روشنی از سمت وزارت ارتباطات منتشر نشده، از جمله اینکه اگر دولت مخالف اینترنت طبقاتی است پس چرا به گفته سرپرست معاونت مرکز ملی فضای مجازی، در ایام جنگ گروهی از کسب‌وکارها اینترنت بدون محدودیت دریافت کرده‌اند. با تمام این اماواگرها به باور کارشناسان و فعالان دسترسی آزاد به اینترنت، اینترنت وسیله ارتباطی برای یک شخص یا گروه نیست، چراکه دسترسی آزادانه به اینترنت یک حق اساسی برای «همه» است. این گروه معتقدند اگر سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران به‌جای اصلاح حکمرانی اینترنت، به دنبال اعمال دسترسی گزینشی باشند، اینترنت طبقاتی ممکن است به ابزاری برای تبعیض اقتصادی و مهندسی اطلاعات بدل شود. تجربه کشورهای جهان نشان می‌دهد که حتی در سیاست‌های تفکیکی، ضرورت وجود قانون شفاف، نظارت مستقل، غیرقابل انکار است. در غیر این صورت، نه‌تنها توسعه شبکه ملی اطلاعات کمکی به عدالت ارتباطی نمی‌کند، بلکه مسیر نابرابری دیجیتال را هموارتر خواهد کرد.

گزارش

«طبقاتی»؛ موضوع داغ شبکه‌های اجتماعی

اینترنت، امنیت یا انسداد؟

ادامه از صفحه ۸

همچنین در روزهای گذشته نشست «اینترنت و آینده ایران» با حضور جمعی از کارشناسان حوزه فناوری برگزار شد. در این نشست، حامد بیدی، مدیرعامل پلتفرم کارزار، با انتقاد از روند انسداد اینترنت در ایران، گفت که در هر بحران، تصمیم دولتمردان به‌جای مدیریت حرفه‌ای، همواره قطع یا محدودسازی اینترنت بوده است. بیدی همچنین قطع و اختلال اینترنت در جریان درگیری‌های نظامی اخیر با اسرائیل را ادامه همین سیاست دانست: «این نگاه در مصوبات شورای‌عالی فضای مجازی هم مشهود است که به‌جای توسعه اینترنت آزاد، تمرکز بر شبکه ملی اطلاعات و قطع ارتباط با اینترنت جهانی دارد».

محمد کشوری، مدیرعامل گروه طیف و کارشناس باسابقه ارتباطات هم با اشاره به حملات سایبری اخیر به زیرساخت‌های کشور، گفت: «بخش زیادی از این حملات، نه از خارج، بلکه از داخل شبکه ملی و توسط دستگاه‌هایی انجام می‌شود که کاربران ایرانی به‌واسطه استفاده از فیلترشکن ناخواسته به آنها تبدیل شده‌اند». به گفته او، فیلترینگ به‌جای تأمین امنیت، موجب فرار ترافیک از مسیرهای رسمی شده و کنترل شبکه را از دست زیرساخت کشور خارج کرده است. بخش بزرگی از پهنای باند اکنون از طریق VPN و سرورهای ناشناس عبور می‌کند که ردیابی و نظارت را دشوار کرده است. کشوری تأکید کرد که امنیت دیجیتال نه با انسداد، بلکه با اصلاح پارادایم سیاست‌گذاری و تمرکز بر امنیت در سطح دیوایس‌ها قابل دستیابی است.

این دو کارشناس نسبت به شکل‌گیری تدریجی اینترنت طبقاتی هشدار دادند؛ پدیده‌ای که امروز با عنوان «اینترنت اضطراری برای کسب‌وکارها» در حال اجراست و به‌زعم بیدی، راه را برای تبعیض در دسترسی و آسیب‌پذیری اعتماد عمومی هموار می‌کند.

پیامدهای اینترنت چندلایه

در مجموع، کارشناسان حوزه فناوری، حقوق‌دانان و فعالان مدنی بر این باورند که نگرانی اصلی درباره اینترنت چندلایه، نه صرفا در حوزه سیاست‌گذاری، بلکه در پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن نهفته است. چنین طرحی، اصل برابری شهروندان را زیر سؤال می‌برد، فرصت‌های برابر را برای کسب‌وکارهای نوپا کاهش می‌دهد، نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند و میل به مهاجرت دیجیتال را افزایش می‌دهد.

تجربه جهانی نیز نشان داده که دسترسی آزاد و برابر به اینترنت، از ارکان حکمرانی مدرن و پیش‌نیاز رشد اقتصاد دانش‌بنیان است. نادیده‌گرفتن این اصل، نه‌تنها شکاف دیجیتال را عمیق‌تر می‌کند، بلکه سرمایه اجتماعی را هم فرسایش می‌دهد.

با وجود تکذیب‌های رسمی، شواهد میدانی، تجربه کاربران و روندهای چند سال اخیر، حاکی از شکل‌گیری تدریجی نوعی مدیریت تبعیض‌آمیز و غیرشفاف در حوزه ارتباطات است؛ فرایندی خزنده که اگر مهار نشود، می‌تواند عدالت دیجیتال را به‌طور جدی تهدید کند. در نهایت، مسئله فراتر از یک مصوبه یا جلسه دولتی است. جامعه امروز در برابر انتخابی سرنوشت‌ساز ایستاده: اینترنت به‌مثابه یک حق عمومی یا امتیازی انحصاری برای برخی.

خبر

مارک زاکربرگ شکایت ۸ میلیارد دلاری را از سر گذراند

مارک زاکربرگ و مدیران ارشد سابق و فعلی متا پلتفرمز، توافق کردند دعوی حقوقی هشت میلیارد دلاری را تسویه کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، طبق این شکایت نقض مکرر حریم خصوصی کاربران فیس‌بوک به آنها آسیب زده است. طرفین دعوی جزئیات تسویه را اعلام نکرده‌اند و وکلای مدافع نیز در مقابل کاتالین مک‌کورمیک، قاضی دادگاه چانسری دلاویر، صحبت نکردند. مک‌کورمیک درست زمانی که دادگاه قرار بود روز دوم رسیدگی را آغاز کند، جلسه را به تعویق انداخت و از طرفین قدردانی کرد.

وکیل شاکیان اعلام کرد توافق یادشده به‌سرعت انجام شده است.